

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و برزنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Reports

گزارش ها

گزارشگران پورتال- افغانستان

۱۰.۰۲.۱۰

در افغانستان چه می گذرد؟ (۵۹)

"برنامه سرزمین من":

تلویزیون نورین که در کابل برنامه پخش میکند و مالک آن یک تن از پنجشیری هائیسیت که به قهرمان جنایتکاران (مسعود) بسیار نزدیک میباشد، بیش از یکسال از فعالیت آن می گذرد. این تلویزیون هر شب از هفت تا هشت شب برنامه ای زیرنام «سرزمین من» را منتشر میسازد که در آن افشاءگری هائی صورت می گیرد. این برنامه به وسیله «نستوه نادری» گرداندگی میگردد، در کنار بر نامه انتقادی «تلک» این تلویزیون، این برنامه را نیز منتشر میسازد. نستوه نادری که سال گذشته در بداخلاقی متهم و سرش را تراشیدند و خود را دشمن "ملیت پشتون" می داند و پسر "پرتو نادری"، یکی از بی شخصیت ترین شاعران «مشهور» خادی افغانستان است؛ حال درین برنامه به دنبال فساد، دزدی و اختلاس مقام های دولتی و فساد و دزدی های مؤسسات غیر دولتی میگردد. این برنامه با این مضمون درین چند هفته مسایل چندی را به نمایش گذاشته و ببینندگان نسبتاً بسیاری پیدا کرده است. یکی ازین برنامه ها مربوط به ارزیابی کار «پرورشگاهی» بود که "نستوه" چند روز قبل آنرا تعقیب کرده و فلمی از آن تهیه نموده بود که در آن دختران جوان والیبال میکردند. اما روز بعد وقتی "نستوه" با کامره اش به دروازه این پرورشگاه میرود، جوانی که به شدت ترسیده و آثار لرز و رعشه از سراپایش پیدا بود و لکنت زبان او را فرا گرفته بود، درین پرورشگاه حضور داشت و حاضر نشد که به سوال این ژورنالیست لومین جواب بدهد، او از دهن دروازه به زودی داخل پرورشگاه شد و تمام این جریان را درین برنامه به نمایش گذاشت. اما روز سوم مسؤلان این پرورشگاه آمده و "نستوه" با کامره اش نیز حاضر شده بود. این مسؤلان که یکی مرد ۶۰ ساله ای به نام «رایان» و دیگری زن جوانی به نام «لطیفه» و گفته شد که این زن مسؤل اصلی این پرورشگاه و "رایان" دستیار او میباشد، درین مصاحبه سهم گرفتند، اما متأسفانه که هر دو چنان رنگ باخته و ترسیده بودند که گویی از همین جا به زندان برده خواهند شد، که مثلاً اگر میشد، چه مشکلی داشت. هر دو با برخورد های به شدت چاپلوسانه هر دقیقه «نستوه صاحب»، «نستوه صاحب» میگفتند و او را به عنوان یک آدم بسیار ارزشمند به خوردن چای دعوت مینمودند و هیچ یکی جواب سوالات او را نداشتند و مخصوصاً خانم جوان اصلاً از کار های این پرورشگاه اطلاعی نداشت.

"نستوه" هم پیوسته هر دو را تحقیر میکرد و با اشاره به آقای "رایان"، میگفت « این کاکا گک که تغییر جنسیت داده و معلوم نیست با این دختران جوان چه کسبی دارد» اما از سوی این بی غیرت ها هیچ واکنشی نشان داده نمیشد و به همان چاپلوسی خود ادامه میدادند و معلوم شد که این انجو گران لافوک که در بیرون و زیر حمایت خارجی ها چقدر لاف و پتاق میزنند و گاه دیگران را متهم به بی غیرتی و رقصیدن به درگاه خاد میکنند خود در برابر یک خبر نگار که بچه یک خادی است چقدر می رقصند و خود را زرد میسازند و به اینگونه ماهیت واقعی خود را به نمایش میگذارند و اینست ماهیت واقعی جامعه مدنی افغانستان که بر سرنوشت کودکان، جوانان، زنان و توده های ستمدیده بازی می کنند و پول گیر می آورند.

این درامه مضحک را این تلویزیون چندین شب چون پس زمینه ای از خیانت در ابتدای برنامه «سرزمین من» گذاشت. اما شب بعد که "نستوه" خواست گزارشی از "برک بانک" تهیه و درین برنامه بگذارد، یک زن کارمند این بانک نستوه را چنان بی آبرو ساخت و او را جانی و جنایتکار نامید و قیافه اش را به مسخره گرفت، چنانچه روحش حبس شده، توان صحبت را نداشت و به این صورت برای آقای "رایان" و خانم "لطیفه" درسی داد که نباید از چنین ژورنالیست های لومپنی اینقدر ترسید و خود را باخت و زرد کرد، بلکه باید با او در رو ایستاد و درس فراموش ناشدنی به او داد.

با اینکه این دو مسؤول نتوانستند، اهداف و کار این پرورشگاه را بیان کنند، در فردای آن در بسیاری از ادارات و دفتر های مطبوعاتی و کورس های آموزشی و مؤسسات تربیه معلم تبصره های عجیبی در مورد این پرورشگاه صورت میگرفت. ترس و لرز این دو مسؤول در حالی صورت می گیرد که در همین کابل دهها گست هاوس و محل های دیگر فساد بر پا است و دولت هم از آن آگاهی دارد و در عین زمان جنایت کاران سی ساله هم بی دغدغه به کار شان مصروف اند. این پرورشگاه که از سرو بر آن معلوم بود که باید از طرف دونر ها و حامیان خارجی و شاید از کشور های اشغالگر که همین اکنون در افغانستان نیرو دارند نیز حمایت شوند و پول های کلانی را به نام یتیم و یتیم بزنند، با آنها اینقدر ترس و لرز شان مخصوصاً اضطراب مسؤولان آن که گویی لحظه ای بعد این "نستوه نادری" لومپن آنان را به پای دار میبرد، برای همه سوال برانگیز بود.

کمیسیون برگذاری انتخابات:

کمیسیون پوشالی برگذاری انتخابات که از سوی کرسی انتخاب شده و انتخابات ریاست جمهوری زیر کار و نظر این کمیسیون برگزار گردید و نسبت به کار آن تمام کاندیدان ریاست جمهوری اعتراض داشتند و آنرا ایزاری در دست کرسی میدانستند، مخصوصاً از سوی کمیسیون بررسی شکایات بعد از انتخابات مسخره ریاست جمهوری قسمتی از رای کرسی باطل اعلان و انتخابات به دور دوم کشانده شد و چون داکتر عبدالله بر این کمیسیون انتقاد داشت و در آن شرکت نکرد، اینک این کمیسیون اعلان کرده است که شش هزار نفر کارمند موقت این کمیسیون به علت دغل بازی و فساد از کار برکنار شده و اجازه ندارند که بار دیگر شامل این کمیسیون گردند. در مجموع ماموران و کارمندان این اداره به ۱۶۵ هزار نفر میرسند و کارمندان دایمی آن ۴۰۰ تا ۵۰۰ نفر میباشند. اینکه این شش هزار نفر چه کار های خلافی درین انتخابات انجام داده اند، هنوز معلوم نیست و چون قرار است باز هم همین کمیسیون در ماه سنبله انتخابات پارلمانی را نیز اداره و کنترل نماید، مردم بیشتر به دنبال این میگردند که چرا این کمیسیون این همه افرادش را بیکار کرده است و آیا باز هم میتواند از عادلانه بودن انتخابات پوشالی در برگذاری انتخابات ریاست جمهوری یاد کنند؟

درین حال لوی څارنوالی اعلان کرد که کمیسیون متشکل از څارنوالی و کمیسیون برگذاری انتخابات تشکیل خواهد شد و از آن‌عه کاندیدان ریاست جمهوری که در انتخابات از ده هزار رای کمتر برده اند، باز پرسی صورت خواهد گرفت. در جریان این انتخابات کاندیدان باید حدود ده هزار کارت رای دهی را به این کمیسیون می آورند، تا می توانستند ثبت نام کنند و حال که این کاندیدان ده هزار کارت آورده و ثبت نام کرده، اما در انتخابات همین ده هزار رأی را نبردند که باید در درست بودن این ده هزار کارت شک کرد و به این خاطر تصمیم بر آن شده است که این باز پرسی صورت بگیرد.

کابل شهر مافیایی برای خارجی ها:

در کابل دهها گروه مسلحی وجود دارند که به اشکال گوناگونی دست به جنایت میزنند. بسیاری از این باند ها بقایای تنظیم های مجاهدین اند که حال با اختطاف زنان، اطفال، کار مواد مخدر، سنگهای قیمتی، زمین و غیره دست به انواع جنایت میزنند. در اکثر این جنایات و کار های مافیایی نیروهای امنیتی، مخصوصاً پولیس دست دارند و این را کسی انکار کرده نمیتواند، چون پانزده درصد اردو و بیش از سی درصد پولیس اداره مستعمراتی معتاد به مواد مخدر میباشند. علاوه به این جنایتکاران برخی از جانیان بیرونی نیز در این جنایات دخیل اند. به تاریخ هفت فبروری در کابل اعلان شد که یک گروه پنج نفری از جنایتکاران هندی یک گروه ۴۰ نفری هندی را جهت کار بر آنان و ربودن دست مزد های شان به زور و با پاسپورت های جعلی به افغانستان آورده اند. این را سفارت هند به پولیس خیر داده و بعد از چند روز تلاش، پولیس توانست این گروه را در ناحیه دهم شهر کابل در یک خانه ای که مخفی شده بودند، پیدا کنند و قرار است به زودی این ۴۰ نفر به هند برگردند، اما از پنج نفر مافیائی تحقیقات جریان دارد و گفته میشود که از میان چهل نفر برخی به شدت شکنجه هم شده است. در صورتیکه نیروهای امنیتی افغانستان درین قضیه دست نداشته باشند، این کار نمی توانست عملی شود.

مردم در واخان از گرسنگی فلج میشوند:

امسال در اثر سردی بسیار زیاد ولسوالی واخان با قحطی رو به رو شده و مردم مجبور شده اند که دانه «پتک» بخورند. دانه پتک از دانه گندم کلانتر میباشد و در حالات قحطی و گرسنگی مردم بدخشان ازین دانه استفاده میکنند. در ولسوالی واخان بدخشان اکنون ۱۸ هزار نفر در ۴۱ قریه زندگی میکنند و در یک قریه این ولسوالی ۴۰ نفر فلج شده اند. در واخان یک کلینک وجود دارد که از نقاط دیگر این ولسوالی در فاصله دوری قرار دارد و توان معالجه مرض فلج را ندارد و تا رسیدن به فیض آباد مرکز بدخشان هم راه دوری در پیش است که هر کس توان رفتن به آنجا را ندارد. این مرض در حالی مردم واخان را گرفته و نابود شان میکند که امسال دولت پوشالی اعلان خود کفایی تولید گندم را کرد و گفته شد که دولت تصمیم به خرید چند صد هزار تن گندم را دارد و میخواهد تا ذخایر ستراتیژیکش را از طریق این خرید پر بسازد، رئیس کمیسیون مبارزه با حالات اضطراری هم میگوید که به واخان ۱۳۰۰ تن گندم فرستاده اند، اما مردم واخان از چنین کمکی اظهار بی اطلاعی میکنند.

تجاوز ملا امامی بر دو زن در کندز:

به تاریخ اول فبروری، پولیس ولایت کندز یک ملا امام را به جرم تجاوز جنسی بر دو زن گرفتار کرد. این ملا امام که "ملا رحمت الله" نام دارد، در قریه بایکه امام صاحب ولایت کندز، امامت میکرد. پولیس میگوید که این

ملا یکی از خویشاوندان "قومندان سرباز" یکتن از قومندانان سابق دوستم میباشد و محمد اعظم یکتن از شوهران این دو زن نیز میگوید که "ملا رحمت الله" با چهار تن دیگر درین تجاوز شریک بوده و علاوه به خانم او بر خانم برادرش که معلم است نیز تجاوز نموده است. وی میگوید که "قومندان سرباز" از چندی به اینسو به عنوان قومندان "اربکی" ها درین ولسوالی انتخاب شده است. ملا رحمت الله به این جرم دستگیر شده و پولیس به دنبال دستگیری سه تن دیگر میباشد. درین حال در کابل یک مرد ۶۰ ساله به نام افضل با "کلک" بر یک دختر چهار ساله تجاوز کرده و با اینکه این مرد ازین تجاوز انکار میکند، اما طب عدلی آن را تأیید کرده است. این روند تجاوز بر زنان و کودکان درین هشت سال در افغانستان، مخصوصاً در شمال کشور پیوسته ادامه داشته، اما قضای افغانستان که فاسد تر ازین متجاوزان اند، هیچگاهی به این مسأله با جدیت برخورد نکرده و این متجاوزان بر عفت این زنان و کودکان بعد از دستگیری به زودی رهایی یافته و خواهند یافت.

آخر مگر نه اینست، برای آنهاییکه ناموس وطن را به صورت علنی به فروش می رسانند، ناموس یک زن و یا یک کودک هیچ معنایی ندارد!؟